

حقوق زنان در قوانین کشور جمهوری اسلامی ایران

مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی (سال دوم)
شماره ۶، جلد اول، تابستان ۱۳۹۵، ص ۳۰۸-۳۱۸

نرگس السادات صحراییان

^۱ کارشناسی ارشد، فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

نرگس السادات صحراییان

Sahraye.6189@yahoo.com

چکیده :

زن با توجه به پذیرش نقش های گوناگون در اجتماع به عنوان همسر ، مادر و دختر از حقوقی برخوردار است. بررسی حقوق زن برای پاسخگویی به افراط و تفریط های موجود در این زمینه امری لازم و ضروری است . سوالی که در این رابطه مطرح می گردد آن است که زن از نظر اقتصادی و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران دارای چه حقوقی است و قدرت و توان مالی و اجتماعی زن جهت دستیابی به اموال و منافع مادی و مالکیت وی نسبت به آن و نیز نیازهای اجتماعی و معنوی چه وضعیتی دارد ؟ آنچه مفروض است این است که زن دارای حقوق اقتصادی و اجتماعی متفاوت بوده ، از انواع حقوق مادی و معنوی برخوردار و در ضمن مالکیت او نسبت به اموال کاملاً مستقل است . به علاوه مطالعه و تحقیق پیرامون حقوق اقتصادی و اجتماعی زن برای پاسخ به شباهات مطرح شده از سوی مخالفین با استفاده از مستندات دین مبین اسلام و معرفی جایگاه رفیع و منزلت عظیم زن و اثبات این امر که اسلام قرن ها قبل و زمانی که زن ارزشی در جامعه نداشت به حقوق فطری و طبیعی زن کمال عنایت را داشته و متوجه ترین قوانین حقوقی را تدوین نموده و تمام نیازهای زن را پاسخ گفته است ضرورت دارد . همان طور که این مسئله به اثبات رسیده که اسلام ، استقلال حقوق اقتصادی و اجتماعی زن را در نظر گرفته و به او اجازه اشتغال به مشاغلی که منافی حیثیت و مصالح خانوادگی نباشد را داده ضمن آنکه با شناخت مصادیقی از حقوق اقتصادی و اجتماعی مثل مهریه ، ارث ، جهیزیه و حقوق معنوی شان و منزلت و نیازهای زن را به طور کامل تامین نموده است .

واژه های کلیدی : استقلال مالی - اشتغال - حقوق اجتماعی - حقوق معنوی.

۱- مقدمه

از آن جا که آسیب پذیرترین قشر جامعه ما، زنان هستند و در طول تاریخ ستم های فراوانی بر این قشر شده است، مخصوصاً در دوران گذشته حتی کمترین حقوقی را برای زن قائل نبودند و زن نمی توانست مالک چیزی بشود و حتی در بسیاری از موارد خود زن نیز به عنوان کالایی در معرض فروش قرار می گرفت. اما با ظهور اسلام دگرگونی زیادی در جامعه پدید آمد و ضمن بیان تساوی حقوق زن و مرد، حقوقی را به زنان اختصاص داد. شناخت حقوقی اقتصادی و اجتماعی زن بسیار حائز اهمیت و انگیزه ای قوی برای کاوش و تحقیق در این زمینه است.

امروزه برای پاسخگویی به افراط و تغفیریت های موجود، لازم و ضروری است که در مورد حقوق اقتصادی و اجتماعی زن بازنگری صورت گیرد تا بتوان شباهات مطرح شده از سوی مخالفین را با مستندات دین مبین اسلام پاسخ داد و جایگاه رفیع زن و منزلت عظیم او را شناساند.

۲- حقوق اقتصادی زن**۱- مالکیت و استقلال اقتصادی زن در اسلام**

یکی از اصول مهم حاکم بر نظام حقوقی دین مقدس اسلام، اصل مساوات بین حقوق زن و مرد است، مگر آنکه بنا بر مصلحت خود آنها استثنائاتی وارد شده باشد.

در حقوق اسلام، اصولاً زن در مقابل شوهر تکلیف و وظیفه اقتصادی بر عهده ندارد و در عین حال از استقلال اقتصادی و اجتماعی برخوردار است (۱).

درواقع، اسلام به شکل بی سابقه ای جانب زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است، از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده است و دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده و حق قیمومت در معاملات زن را از مرد گرفته است و از طرف دیگر با برداشتن مسئولیت تامین بودجه خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دویین به دنبال پول معاف کرده است « (۲) ».

در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام مالکیت و استقلال مالی زنان همانند مردان محترم شمرده شده و تفاوت و تبعیضی بین حقوق آنها مشاهده نمی شود.

۲- مالکیت و استقلال اقتصادی زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران

زن در طول تاریخ اکثراً حق مالکیت نداشت، بلکه خود او بدید یک ما و ملک برای دیگران نگریسته می شد در مواردی هم که زن مالک شناخته می شد اهلیت تصرف و تمنع آن را نداشت و حتی در واقع زن در کنار اموال میت به ارث برده می شد، حتی در دهه های اخیر در اروپا مالکیت و یا حدائق تمنع برای زن ممنوع بوده است یا به محض ازدواج از تصرف در بخشی از اموال خود ممنوع شد و اداری آن به دست شوهر می افتاد و هنوز هم در برخی از جوامع زن نمی تواند به طور کامل از دارایی خود استفاده کند (۳).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به تبعیت از قوانین اسلامی در اصل ۲۰ چنین آمده است:

همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند.

اصل ۴۶ نیز مالکیت همه افراد اعم از زن و مرد در اعمال آن را به رسمیت شناخته است.

هر کس مالک کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب در کار را از دیگری سلب کند.

در قانون مدنی بر طبق مواد ۹۶۵ و ۹۵۸ قانون مدنی نیز هر انسانی اعم از زن و مرد در هر وضعیت و در هر سنی از اهلیت تمتع برخوردار است و می‌تواند دارای حق شود و می‌تواند مالک مال گردد.
همچنین در این قانون برای انجام معاملات و قراردادهای تجاری نگاه جنسیتی وجود ندارد.

برای اینکه متعاملین اهل (معامله)، محسوب شوند، باید بالغ و عاقل و رشید باشند (قانون مدنی، ماده ۲۱۱).

ماده ۱۱۸ قانون مدنی نیز تصریح می‌کند که زن مستقل‌آمی تواند در دارایی خود هر گونه تصرفی که بخواهد انجام دهد.

از مفاد این ماده معلوم می‌شود که مداخله شوهر در اموال زن خود، موكول به اجازه زن است.

حکم این ماده مبنای اسلامی و ریشه فقهی دارد. شیخ طوسی از فقهای بزرگ امامیه در قرن پنجم هجری در کتاب معتبر فقهی خود به نام کتاب «خلاف» بدین معنی تصریح نموده است که :

« وقتی زن به حد بلوغ و رشد رسید، اموالش به او تحويل می‌شود و می‌تواند هر گونه تصرفی در آن بکند، خواه شوهر داشته باشد یا نه و در صورت داشتن شوهر برای تصرف در اموالش نیازی به اجازه شوهر ندارد» (۴).

۲-۳-۱- اشتغال زنان در قوانین جمهوری اسلامی ایران

۲-۳-۱-۱- اشتغال و مزد مساوی در قبال کار مساوی

الف : عدم تبعیض در مزد

طبق ماده ۳۸ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ :

« برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد، باید به زن و مرد، مزد مساوی پرداخت شود، تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی منوع است . »

ماده « ۷۶ » همان قانون مدت ۹۰ روز مرخصی ایام زایمان را برای کارگران زن پیش بینی کرده که حقوق آن ایام را زن می‌گیرد و جزو سوابق خدمت وی محسوب می‌گردد.

در ماده « ۷۸ » تسهیلات مربوط به کارگران زن که بچه شیرخوار دارند پیش بینی شده و از جمله مقرر شده که : کارفرما باید به مادران شیرده پس از هر سه ساعت کار نیم ساعت فرصت شیر دادن بدهد و این مدت جزو ساعات کار او محسوب می‌شود.

ب : فرصت های شغلی برای زنان

علی الاصول زنان مانند مردان می‌توانند به مشاغل مختلف، دست یابند و منع قانونی برای اشتغال آنان وجود ندارد، اصل ۲۸ قانون اساسی به صورت عام و شامل می‌گوید :

« هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست بر گزینند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احرار مشاغل ایجاد نماید ». نظریه همین حکم از حیث شمول نسبت به زن و مرد در دستیابی به فرصت های شغلی در اصل ۴۳ قانون اساسی دیده می‌شود به خصوص بند ۲ اصل مزبور که از جمله ضوابط نظام اقتصادی جمهوری اسلامی این گونه بیان شده است :

« تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی و ... »

در قانون کار هیچ محدودیتی برای زنان در انعقاد قرارداد کار و نوع کارهای ارجاعی بر مبنای تبعیض بین دو جنس وجود ندارد. طبق تبصره ماده « ۹ » قانون مزبور :

«اصل بر صحت کلیه قراردادهای کار است. مگر آنکه بطلان آنها در مراجع ذی صلاح به اثبات برسد.»

تنها محدودیتی که در قانون کار به نفع زنان برقرار شده ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک به آنهاست.

طبق ماده « ۷۵ » :

«انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است.»

۲-۳-۲- محدودیت های شغلی

در حال حاضر دو نوع محدودیت شغلی برای زنان، طبق قوانین ایران وجود دارد که یکی ممنوعیت برخی از مشاغل به خاطر منع شرعی یا به لحاظ مصالح ملی و امنیتی و رعایت وضع خاص زنان و دیگری محدودیت مربوط به زن شوهر دار از اشتغال به مشاغل منافی مصالح خانوادگی است.

در قسمت اول دو نوع محدودیت در حال حاضر وجود دارد:

الف) ممنوعیت از اشتغال به قضاوت :

طبق نظر و فتوای معروف فقهای اسلام در شرع اسلام، مرد بودن از شرایط اشتغال به قضاوت است و زنان حق قضی شدن به معنای عهده دار شدن رسیدگی به دعوی و رای دادن ندارند، از همین رو ماده واحد قانون شرایط انتخاب قضاط مصوب سال ۱۳۶۱ مقرر داشته است:

«قضاط از میان مردان واجد شرایط انتخاب می‌شوند».

البته در این رابطه باید متذکر شد که طبق اصلاحیه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۴ به تبصره ۵ ماده واحده مزبور مصوب مجلس شورای اسلامی، زنان واجد شرایط می‌توانند به پایه قضایی همانند مردان در پست های مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه های مدنی خاص، قضی تحقیق، مستشاری اداره حقوق و نظایر آنها انجام وظیفه نمایند، در حال حاضر محدودیت های شغلی قضایی زنان مربوط به تصدی دادگاه و صدور حکم به معنای خاص آن است.

ب) محدودیت اشتغال در نیروهای مسلح

مستفاد از ماده « ۳۲ » قانون ارش جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۷/۷/۷ و ماده « ۲۰ » قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران مصوب ۱۳۷۵/۷/۲۱ این است که زنان به صورت محدود در مشاغل درمانی، بهداشتی و نظایر آنها ممکن است استخدام شوند و در مشاغل سنگین اما در ارتباط با سلاح و به کارگیری آن، از آنها استفاده نمی شود، طبعاً این محدودیت هم در جهت ملاحظه وضعیت خاص زنان و مصالح امنیتی کشور است و تبعیض ناروا در احراز مشاغل محسوب نمی شود.

ج) محدودیت شغلی زن شوهر دار :

ماده « ۱۱۷ » قانون مدنی به مرد حق داده است که در برخی موارد زن خود را از اشتغال به شغلی منع نماید.

ماده مزبور بدین شرح است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.»

این ماده نوعی محدودیت شغلی برای زن شوهر دار ایجاد می‌کند ولی محجوریت مطلق زن شوهردار و یا تسلط مطلق مرد را بر زن و مانع شدن از اشتغال او را نمی رساند، بلکه به لحاظ اهمیت و اعتباری که به خانواده داده شده و به لحاظ حفظ مصالح خانوادگی، محدودیت زن نسبت به برخی مشاغل به وسیله شوهر مجاز شمرده شده است.

به هر حال ، صرف نظر از محدودیتی که به شرح مذکور در مورد اشتغال ممکن است به خاطر رعایت منافع و مصالح خانواده برای زن وجود داشته باشد ، اصولاً طبق مقررات قانون ایران ، زن همانند مرد می‌تواند با پیش گرفتن هر گونه شغل و حرفه مناسب ، عقد قرارداد ، تشکیل شرکت ، خرید سهام ، استفاده از اعتبارات بانکی و هر نوع عمل حقوقی دیگر ، از جمله قبول هبہ ، قبول وصیت ، عمران اراضی موات و ... به منافع مالی دسترسی پیدا کند .

۴-۲- مصادیق مالکیت و حقوق اقتصادی زن

۴-۲-۱- نفقه در اصطلاح قانون مدنی ایران

در ماده « ۱۱۰۷ » قانون مدنی به پیروی از نظریات مشهور فقهاء ، نفقه این گونه تعریف شده بود :

« نفقه عبارت است از مسکن و لباس و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت داشتن زن به خادم یا احتیاج او بواسطه مرض یا نقصان اعضاء »

از آنجا که این ماده طوری تنظیم شده بود که به نظر می‌رسد نفقه محصور در موارد ذکر شده است قانونگذار برای رفع ابهام ، این ماده را در تاریخ ۱۳۸۱/۹ به صورت ذیل اصلاح نمود :

« نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن ، البسه ، غذا ، اثاث البیت و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت داشتن عادت یا احتیاج او بواسطه مرض یا نقصان ». .

بر اساس این اصلاحیه دیگر تردیدی باقی نمی‌ماند که موارد ذکر شده فقط به عنوان نمونه می‌باشد و نفقه شامل تمام نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زوجه است و این اصلاحیه علاوه بر افزودن عبارت « همه نیازها » دو مورد دیگر را به عنوان نیازهای مهم زوجه به مصادیق نفقه اضافه نموده است : هزینه های درمانی و هزینه های بهداشتی ، بر این اساس اگر تامین هزینه درمان بیماری صعب العلاج زوجه امری متعارف شود جزء نفقه قرار خواهد گرفت ، حتی اگر این هزینه ها سنتگین باشد مشروط بر اینکه به عسر و حرج زوج منتهی نشود .

حقوقدانان ایران نیز نفقه را شامل همه هزینه های فوق دانسته اند (۱) .

در نظام حقوقی اسلام ، رفع نیازمندی های خانواده (زن و فرزندان) از تکالیف مرد شمرده شده است و زن هر چند که دارای ثروت زیادی باشد ، هیچ نوع مسئولیتی در تامین بودجه و معاش خانواده بر عهده ندارد و شرکت او در کمک به رفع این نیازها کاملاً اختیاری و وابسته به میل و اراده اوست .

این مطلب را باید متذکر شد که دادن نفقه به زن هیچ گونه حقی را برای مرد جهت سلطه اقتصادی و بهره برداری از نیروی کار زن ایجاد نمی‌کند و همین مسئله رمز جدایی نفقه در نظام اسلامی و نفقه در نظام های غیر اسلامی است .

در نظام های غیر اسلامی ، نفقه بهای کار زن و باعث سلطه اقتصادی مرد بر زن در طول زندگی مشترک است و به دلیل عدم آشنایی با ماهیت نفقه در نظام اسلامی ، غربیان به ویژه دیدگاه های تند فیمنیستی ، نفقه را عامل استثمار زنان توسط مردان دانسته اند .

اسلام زن را به سان ملکه ای می‌داند که مرد در مقابل همسری و کامجویی از اوی می‌باید تمام وسایل آسایش و آرامش او را فراهم آورد و بدین گونه است که هر دو در نقش طبیعی خود ظاهر شده مرد در کنار زن و زن نیز در کنار مرد به آرامش می‌رسد (۱) .

۴-۲-۲- جهیزیه زن

جهیزیه در حقوق مدنی عنوان خاصی ندارد ، اما از اموری است که در ایران معمول و متدالوی است و آن عبارت است از اثاث منزل و پوشانکی است که زن در موقع عروسی همراه خود به منزل شوهر می‌برد . جهیزیه جزء دارایی و ملک زن است ، هر چند پدر و مادر قبل از ازدواج برای او تهیه کرده باشند ، زیرا بر حسب ظاهر ، پدر و مادر جهیزیه را به قصد هبہ به دختر واگذار می‌کنند (۱) .

در واقع آوردن جهیزیه نشانه صمیمت و مظہری از روح تعاوون بین خانواده زن با شوهر است. از سوی دیگر، بر طبق قانون، دختر خانواده نصف پسر ارث می‌برد و دادن جهیزیه به دختر راهی است برای تعدیل قانون (۵).

بخشی از جهیزیه ای که زن به منزل شوهر می‌برد، مورد استفاده هر دو قرار می‌گیرد و ظاهر امر آن است که زن اجازه انتفاع از آنها را مجانی به شوهر خود داده است به همین جهت وی نمی‌تواند اجرت المثل آنچه را شوهر استفاده می‌کند از او بخواهد، مگر آنکه زوجین در این امر توافق یا شرط نمایند یا زن به صراحت شوهر را منع نماید که در این صورت اگر شوهر استفاده نماید غاصب است.

از آنجا که جهیزیه جزء اموال زن محسوب می‌شود، او می‌تواند بر طبق ماده « ۱۱۱۸ » قانون مدنی هر تصرفی که بخواهد در آن انجام دهد. بنابراین، زن می‌تواند آزادانه تمام یا قسمتی از آنها را به یکی از والدین یا خویشاوندان خود یا به شوهر یا هر شخص دیگری واگذار نماید، اگرچه بلاعوض باشد. همچنین، زن می‌تواند جهیزیه خود را کنار گذارد. البته و اثاثیه لازم برای زندگانی را به عنوان نفقة از شوهر خود مطالبه نماید (۶).

از نظر حقوقی آوردن جهیزیه نوعی اباحه تصرف است و هیچ حقی برای شوهر ایجاد نمی‌کند. بنابراین، هر گاه زن بخواهد می‌تواند جهیزیه را به دیگری انتقال دهد یا به خانه پدری برگرداند. ولی از جهت اخلاقی زن این اموال را به خانواده اختصاص می‌دهد تا صرف نیازهای افراد آن شود (۷).

۳-۴-۲-مهربه

ازدواج در شرع منور اسلام دو دسته حق و تکلیف را به دنبال دارد:

۱- حقوق و تکالیف غیر مالی

۲- حقوق و تکالیف مالی

از جمله حقوق مالی، حق مهربه زن است که مرد مکلف به پرداخت آن است به عبارتی مرد مکلف است که مهربه را به زن پردازد. گرچه در حال حاضر مهربه به هنگام خواستگاری و نامزدی از سوی بزرگان و خانواده‌های دختر و پسر تعیین می‌گردد معهداً مهر توافق مالی فیما بین زن و مرد به هنگام عقد نکاح بوده است و نوعی الزام قانونی و شرعاً است که بر شوهر تحمیل می‌شود و فقط زوجین می‌توانند هنگام عقد یا پس از آن مقدار مهربه را به تراضی تعیین کنند مهربه به عنوان صداق، صداقیه، کابین قرض و مهربه نیز نامیده می‌شود. مهر عندالمطالبه است و زوجه به محض انعقاد عقد نکاح، مالک آن می‌شود. این مالکیت نسبت به بخش باقیمانده، متزلزل و منوط به انجام وظایف زناشویی زوجین می‌باشد. (۸).

نهاد مهر در حقوق ایران مبتنی بر سنت و مذهب است و نظیر آن را در حقوق عربی نمی‌توان یافت. اگرچه تعیین مهربه‌های سنگین که به تازگی مرسوم شده است عیوبی دارد مخصوصاً می‌توان آن را سدی در راه تشکیل خانواده محسوب داشت، معهداً مهر که از جانب مرد به زن داده می‌شود می‌تواند کمود سهم الارث زن را در حقوق ما تا حدی جبران کند، به علاوه مهر در عرف نشانه‌ی ارج و احترامی است که مرد برای زن قائل است و مظہر تعهد شوهر برای تامین زندگی زن است. گاهی مهر، که معمولاً هنگام اتحاد ازدواج مطالبه می‌شود، مانع گستن پیوند زناشویی می‌شود و تضمینی برای دوام ازدواج طرفین به شمار می‌آید. در صورت وقوع طلاق نیز گاهی مالی که زن به عنوان مهر می‌گیرد در زندگی او بسیار موثر است و مانع پریشانی و درماندگی وی می‌گردد (۹).

در ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی آمده است:

« مهر عبارت است از مالی که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن است ».

الزام مربوط به تمیک مهر ناشی از حکم قانون است و ریشه‌ی قراردادی ندارد، به همین جهت سکوت دو طرف در عقد و حتی توافق بر این که زن مستحق مهر نباشد نمی‌تواند تکلیف مرد را در این زمینه از بین ببرد. درست است که انقاد نکاح به تراضی طرفین است ولی آثار آن را زن و شوهر به وجود نمی‌آورند، همین که زن و مرد با پیوند زناشویی موافقت کرده‌اند، در وضع ویژه‌ای قرار می‌گیرند که به ناچار باید آثار و نتایج آن را متحمل شوند.

بنابراین مهر ، نوعی الزام قانونی است که بر مرد تحمیل می شود و فقط زوجین می توانند هنگام بستن عقد یا پس از آن ، مقدار مهر را به تراضی معین سازند . (مواد ۱۰۸۰ - ۱۰۸۷ قانون مدنی) .

۴-۲-۴- ارت

نظام ارث در اسلام، مجموعه ای از قوانین و مقررات را در بر می گیرد که بدون احاطه بر کل آن مجموعه، نمی توان درباره نظام یاد شده ، داوری صحیحی انجام داد. با ملاحظه دقیق مسایل ارث به خوبی روش می گردد که در برخی از موارد، سهم مرد دو برابر زن است، ولی در بعضی موارد ، سهم زن چند برابر مرد است و گاهی سهم مرد و زن کاملاً مساوی هستند (۱۰) .

زوجه وارث تمام ترکه می باشد ، زیرا زوجه وارثی است که سهم الارث و فرض معینی برای او در نظر گرفته شده است لذا اصل و قاعده اقتضا می کند که ترکه متوفی پس از اخراج دین و وصیت به ورثه او برسد و تا وقتی که وارثی وجود داشته باشد ، مال متوفی بلا وارث یا بلا صاحب ، تلقی نمی شود و باید آن را به وارث داد و هنگامی ترکه متوفی به امام داده می شود که متوفی بدون وارث و نتیجتاً اموال او بلا صاحب شناخته شود و در این صورت به لحاظ اینکه این اموال مالکی ندارد اختیار اداره و مصرف کردن آن با کسی است که رهبری و اداره ی جامعه را در دست دارد و لذا اختیار اداره و تصرف در اموال بلا صاحب نیز به او سپرده شده است .

قانون مدنی ، طبق رویه معمول خود ، از نظر مشهور فقهاء ، پیروی نموده و در این خصوص ، زوجه را مستحق بیش از فرض خود ندانسته و باقی ترکه را در حکم اموال بلا وارث و متعلق به حاکم می داند .

ماده « ۹۰۵ » قانون مدنی در مقام بیان چگونگی ارث بردن صاحبان فرض و قربات و رد به صاحبان فرض می گوید :

« از ترکه میت هر صاحب فرض حصه خود را می برد و بقیه به صاحبان قربات می رسد و اگر صاحب قرباتی در آن طبقه مساوی با صاحب فرض در درجه نباشد ، باقی به صاحب فرض رد می شود مگر در مورد زوج و زوجه که به آنه رد نمی شود ، لیکن اگر برای متوفی وارثی به غیر از زوج نباشد ، زاید از فریضه به او رد می شود ». .

ماده « ۹۴۴ » نیز مقرر می دارد : « در صورت نبودن هیچ وارث دیگری به غیر از زوج یا زوجه ، شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می برد ، لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود ». .

ماده « ۸۶۶ » هم می گوید : « در صورت نبودن وارث ، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است ». .

در عین حال با توجه به بررسی های قبلی و با عنایت به اینکه برخی از بزرگان فقهاء همچون شیخ صدوq و شیخ طوسی و علامه در برخی از فتاوی ایشان اظهار نظر کرده اند که در زمان غیبت امام (ع) تمام ترکه به زوجه داده می شود و بعضی نیز با اظهار تمایل به این نظر ، احتیاط را در این دانسته اند که اگر زوجه فقیر باشد کل ترکه به او داده می شود (۱۱) .

به نظر می رسد اگر قانونگذار مصلحت تشخیص دهد که تمام ترکه به زوجه وارث منحصر به فرد داده شود و قانون مدنی را در این خصوص بدین گونه اصلاح کند ، نمی توان گفت حکم قانونی بدون مبنای شرعی و مغایر موازین اسلامی وضع کرده است .

در مورد میراث زوجه دارای قربات نسبی با متوفی ، ماده ۸۶۵ قانون مدنی چنین مقرر می دارد : « اگر در شخص واحد ، موجبات متعدد ارث جمع شود به جهت تمام آن موجبات ، ارث می برد، مگر اینکه بعضی از آنها مانع دیگری باشد که در این صورت فقط از جهت عنوان مانع می برد ». .

ماده « ۹۴۶ » قانون مدنی (قبل از اصلاح) بیان می داشت : « زوج از تمامی اموال زوجه ارث می برد، لیکن زوجه از اموال ذیل : ۱- از اموال منقول از هر قبیل که باشد ۲- از اینیه و اشجار »

پس از حدود ۸۰ سال از اجرای قانون سهم الارث زنان از همسرانشان ، نمایندگان هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی این قانون را اصلاح کردن تا این اصلاحیه در آستانه ورود به دهه چهارم انقلاب اسلامی ، گام مثبت دیگری در جهت احراق حقوق زنان باشد . این

مصوبه در قالب طرح اصلاح موادی از قانون مدنی، ششم بهمن ماه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مطرح شد و با ۱۶۹ رای موافق، دو رای مخالف و هفت رای ممتنع از مجموع ۲۲۱ نماینده حاضر در جلسه علنی تصویب شد.

بر اساس مصوبه جدید مجلس، ماده ۹۴۶ قانون مدنی چنین اصلاح شد: «زوج از تمام اموال زوجه اirth می برد و زوجه در صورت فرزند دار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان اirth می برد. در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می باشد». که این اصلاحیه در مورد موضوع اirth زن از زمین، طبق نظر مقام معظم رهبری بوده و مجلس شورای اسلامی عین فتوای معظم له را به صورت قانون تصویب کرده است.

۳- حقوق اجتماعی زن

۱- حقوق قضائی زن

یکی از مهمترین حقوق اجتماعی انسان حقوق قضائی است که عمدۀ آن حقوق عبارت است از حق طرح دعوی یا شکایت و حق مراجعت به مراجع قضایی (ولو برخلاف میل پدر یا شوهر) شرکت در محاکم و مراجعت مزبور و یا تقاضای اجرای حکم از قبیل قصاص، تعزیز و حقوق مالی و یا برای ادائی شهادت یا امور دیگر مربوط به امر قضا در این حقوق میان زن و مرد هیچ فرقی در اسلام نیست و اعطاء این حق به زن و قرار گرفتن وی در کنار مرد و تساوی با او در تاریخ حقوق زن در جهان انقلابی محسوب می شود (۳).

به طور مختصر به برخی از این حقوق قضائی زن عبارت است از:

۱- شرایط اجرایی شهادت، بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، حلال زادگی و در معرض تهمت نبودن است. بنابراین، شهادت زنان مانند مردان قابل قبول است.

۲- زنان نیز مانند مردان حق قصاص دارند هر نند بین زن و مرد فرقی نیست ولی فتوای جمعی برخلاف آن است «وکتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعين و الاتف بالاتفاق و الاذن بالاذن و السن بالسن و الجروح القصاص»
یعنی: و مقرر کردیم برایشان که جان در مقابل جان، چشم در مقابل چشم، بینی در مقابل بینی، گوش در مقابل گوش.
«یا ایها الذين امنوا كتب عليكم القصاص في القتلاني الحر بالحر و العبد بالعبد و الانثى بالانثى»

یعنی: ای کسانی که ایمان آوردید! درباره کشتگان بر شما قصاص مقرر شد آزاد عوض آزاد، بند عدوض بند و زن در برابر زن.

۳- از جمله حقوق زن حکم مربوط به ارتداد است که اگر زن مرتد شود کشنیدن او جایز نیست و باید شرایط توبه او فراهم شود و این در واقع از امتیازاتی است که خالق زن برای او در نظر گرفته است تا با توجه به آنچه از ارزش‌ها و خصوصیات و ویژگی‌هایی که در زن به ودیعه گذاشته شده بار دیگر فرصت اصلاح خود را پیدا کند.

۴- دیه زن نصف مرد است، البته از لحاظ ا مضایی بودن حکم دیه در اسلام، نمی توان تفاوتی بین زن و مرد قائل شد و علت این امر این گونه توجیه می شود که نبود یک مرد در خانواده زیان بارتر از نبود یک زن است. علاوه بر آنچه گذشت حقوق اجتماعی دیگری وجود دارد مانند حق امر به معروف و نهی از منکر. شرکت در خدمات و مددکاری‌های اجتماعی - کسب و کار - تحصیل علم و هنر و فن و نیز عمل به واجبات شرعی اجتماعی مانند حج و دیگر جماعات سیاسی و عبادی و امثال آنها که زن پیش از اسلام یا از داشتن آنها به کلی محروم بود یا آن که اختصاص به زنان سلاطین و اشراف داشت.

اسلام زنان را در تمام حقوق و شئون اجتماعی همدوش مرد قرار داده است مشروط بر آن که اخلاصی در وظایف خاص زنان و تعهدات طبیعی و اجتماعی او نسبت به شوهر و فرزندان وارد نکند و او را از هنر بدون زن تهی نسازد. حق تعلیم و تربیت، یکی از وظایف خطیر پیامبران الهی تعلیم و تربیت است «هو الذى بعث فى الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و تزكيتهم و يعلمهم الكتاب والحكمة»
یعنی: او کسی است که در میان جمیعت درس نخواند، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب و حکمت می آموزد.

هدف اسلام این است که تمامی انسان‌ها در این امر مهم به پیش روند و به درجات عالیه کمال نائل آیند، از این رو چنان بستری فراهم نمود که زن‌ها نیز همچون مردان به فراغیری دانش و تزکیه نفس بپردازند. اسلام نه تنها فراغیری دانش را برای آنها جایز شمرد، بلکه بر آنها لازم دانسته است. رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید «طلب العلم فريضه على كل مسلم و مسلمه» فراغیری علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان لازم و ضروری است.

درواقع، اسلام نمی خواهد زنان مسلمان زندگی خود را با غفلت و بی خبری و به دور از هر گونه ترقی و کمال، سپری کنند (۳) .

۳-۲- حقوق معنوی زن

اگر چه از لحاظ اخلاق داشتن، رفتاری خوش هم وظیفه مرد است و هم وظیفه زن و عقلاً هم رعایت این قاعده برای کیان خانواده و حسن جریان روند تکامل روحی و معنوی آن دو ضروری است و لیکن قانون اسلام آن را وظیفه خاص مرد و حق خاص زن قرار داده است مشروط بر آن که خود زن نیز به آن علاقه مند باشد و اسباب و امکانات ظاهری آن را برای مرد فراهم و به وی کمک کند نه این که با روش های مختلف دانسته یا ندانسته انجام این وظایف را بر مرد مشکل می سازد و زندگی را بر هر دو تلحظ سازد (۳) .

خوش رفتاری با زن مخصوص همسران نیست، بلکه حتی نسبت به دختران نیز رعایت آن بر والدین شرط شده است. قرآن و حدیث هر گونه سوء رفتار و فشار را نسبت به زن شدیداً منع و نهی کرده است و تخلف از آن گاهی ضمانت اجرای مجازات دارد. در حدیث نبوی آمده است که پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

«برادرم جبرئیل به اندازه ما نسبت به زن سفارش کرد که گمان کردم به او اف هم نمی توان گفت» و در حدیث دیگر آمده است که در بهشت مقامی است که سه نفر به آن می رسند : «حاکم عادل، خوش رفتار نسبت به زن، صبور بر عیوب زن» .

۴- نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب یاد شده ، به دست آمد که زن نیز مانند مرد ، شایستگی مالکیت و اداره اموال خود را دارد و می تواند در مورد اموال و املاکی که از راه کار و تلاش اقتصادی ، ارث ، مهر یا نفقه مالک شده ، هر گونه تصرفی از قبیل خرید و فروش ، اجاره ، رهن ، مزارعه ، مساقات ، هبه ، صلح ، مضاربه و قرض انجام دهد و به اجازه گرفتن از کسی ، حتی از شوهر نیاز ندارد. همان طور که فقیهان بزرگ شیعه و برخی از اهل سنت به این مسئله فتوا داده و گفته اند : زن بالغ و رشید برای هر گونه تصرف در اموال خود مجاز است ، خواه شوهر داشته باشد یا نه . (۴) .

با توجه به مطالبی که گفته شد و مروج قولانیں اسلامی ایران مشخص شد که زن حق مالکیت بر اموال و دارایی های خود را داشته و مستقل در تصرفات مالی است و می تواند اشتغال به مشاغلی که مورد علاقه اوست و منافی با شئون و منافی با شئون و خانواده اش ندارد را داشته باشد و هیچ منع شرعی و قانونی برای او نیست ، مگر در مواردی محدود که ذکر آن گذشت . ضمناً کسی حق دخل و تصرف در اموال زن و درآمد حاصل از کار و شغل او را ندارد مگر با اذن و اجازه خودش ، حتی پدر یا شوهر او ، این حق مختص اوست و لا غیر .

همچنین، اگر زن از طریق وصیت کردن شخص یا اشخاصی صاحب اموال شود، آن اموال متعلق به اوست و جزء دارائی های او محسوب خواهد شد.

منابع و مراجع

- ۱- فهیمی ، فاطمه ، حقوق مالی زن و مقایسه تطبیقی در حقوق اسلام ، ایران و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان ، انتشارات دانشگاه قم ، چاپ دوم ، ۱۳۸۵
- ۲- مطهری ، م. ، مجموعه آثار ، بخش فقه و حقوق ، جلد اول ، ص ۲۲۰ ، ۱۳۸۶
- ۳- سلیمی، م. ، انواع حقوق زنان، دانشگاه آزاد اسلامی همدان، ۱۳۹۳
- ۴- شیخ طوسی ، خلاف ، بی تا ، ج ۳ ، ص ۲۸۵
- ۵- کاتوزیان ، ن. ، دوره مقدمات حقوق مدنی ، تهران ، نشر دادگستر ، ۱۳۷۶ ، ج ۱
- ۶- امامی ، سید حسن ، حقوق مدنی ، تهران ، کتاب فروش اسلامیه ، ۱۳۷۱ ، ج ۴ و ۳ و ۱
- ۷- کاتوزیان ، ن. ، حقوق مدنی خانواده ، جلد اول ، تهران ، انتشارات بهمن بزنا ، ۱۳۷۵

- ۸- زمانی در مزاری، محمد رضا، راهنمای علمی و کاپردی نحوه مطالبه و وصول مهریه در محاکم دادگستری و مراجع ثبتی، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۶
- ۹- صفائی، س.ح. و امامی، ا.، مختصر حقوق خانواده، انتشارات میزان، ۱۳۸۶
- ۱۰- حسینی نسب، س.ر، پرسش هایی پیرامون حقوق زن در اسلام، ۱۳۹۳
- ۱۱- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربي، بیروت، ۱۹۱۸ م، چاپ هفتم، جلد ۳۱، ۱۱، ۳۱، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۱۹
- ۱۲- قانون مدنی